



ظهور گفتمان ایدئولوژیک فراهم ساخت اما این جریان واقع گرای رجال ممتاز را به نهایی ترین حد ممکن برد.

نویسنده در پاسخ به این پرسش که چگونه میسر است وابسته به این جریان، به لحاظ معرفتی توانسته مفهوم اصلاح اجتماعی را چندان گسترش دهند که به گفتمانی ایدئولوژیک تبدیل شود، به قرن پنجم هجری بازمی گردد و نظریه پرداز غزالی درباره نص مقدس را که در کتاب «احیای علوم الدین» و «جواهر القرآن» آورده یاد آور می شود. وی معتقد است که همین نظریه این جریان (ایدئولوژیک) را او داشته، تا به خود اجازه چنین تعاملی با نص را بدهد.

وی انگاره و نظریه غزالی را چنین توضیح می دهد: انگاره غزالی از نص و اهداف آن، در ضمن ساختار اندیشه دینی، بر دو مبنا استوار است که یکی اشعری کلامی و دوم صوفیانه و گنوسی است. غزالی انگاره اشعری را درباره کلام خدا که آن را صفاتی از صفات ذات الهی می داند، پذیرفته است و در تعیین غایت و هدف وجود انسان در عرصه حیات که تحقق رستگاری در آخرت است، تحت تأثیر متصوفه قرار گرفته است. با ترکیب این دو بعد، ابو حامد غزالی در کتاب احیاء و جواهر به این ایده دست می یابد که حل معضلات معاصر، جز با بازگشت به گذشته میسر نیست. بر اساس بعد نخست، وضع کنونی تجسم فساد و انحراف از هنجارهای اصلی دین است؛ در حالی که گذشته، الگوی طهارت و تحقق عینی وحی است.

از بعد دوم نیز همه علوم و حقایق و نیز معرفت، ازلی و نهفته در نص است و هیچ پیوندی با کنش انسانی ندارند و اگر قرآن سرچشمه علوم است، مفسر ایدئولوژی گرای معاصر نیز وظیفه خود می داند تا موضع صریح خود را نسبت به رابطه قرآن با واقعیت، تاریخ، حرکت و فرهنگ مشخص کند و این همان کاری است که دو تن از چهره های برجسته این جریان، یعنی سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و طنطاوی جوهری در «تفسیر الجواهر» انجام داده اند. این دو به دو رویکرد متفاوت و متضاد گرایش دارند: سید قطب رویکردی مبارزه جو و طنطاوی رویکردی علمی دارد؛ ولی هر دو ایدئولوژیک باقی می مانند. این گفتان، روش فرا تاریخی دارد که فهم نص را در خارج از اعتبارات زمانی و مکانی جست و جو می کند.

النیر، علاوه بر سید قطب و طنطاوی، عبدالرحمان کواکبی را هم با توجه به مجموعه مقالاتش که کوشید، بر اساس روشی علمی قرآن را تفسیر کند، در این جریان طبقه بندی می کند. وی از حسن حنفی، صاحب پروژه بازخوانی میرا و محمد ابوالقاسم حاج حمد، مؤلف کتاب «العالمیة الاسلامیة الثانية» نیز به عنوان قرآن پژوهان ایدئولوژی گرانام می برد.

۴. مکتب تفسیر نوگرا که نویسنده مقطع ظهور، آن را به دهه چهل قرن بیستم بازمی گرداند. نویسنده بر آن است که از دهه چهل، نشانه جریان تازه ای در

مطالعات و تفکر قرآنی و فقهی و از آن جهت که در این حیطه پژوهش های علمی و فکری انجام گرفته است و در این زمینه نیز می توانست و می تواند این تفکر را به نهایی ترین حد ممکن برد.

نویسنده در پاسخ به این پرسش که چگونه میسر است وابسته به این جریان، به لحاظ معرفتی توانسته مفهوم اصلاح اجتماعی را چندان گسترش دهند که به گفتمانی ایدئولوژیک تبدیل شود، به قرن پنجم هجری بازمی گردد و نظریه پرداز غزالی درباره نص مقدس را که در کتاب «احیای علوم الدین» و «جواهر القرآن» آورده یاد آور می شود. وی معتقد است که همین نظریه این جریان (ایدئولوژیک) را او داشته، تا به خود اجازه چنین تعاملی با نص را بدهد.

وی انگاره و نظریه غزالی را چنین توضیح می دهد: انگاره غزالی از نص و اهداف آن، در ضمن ساختار اندیشه دینی، بر دو مبنا استوار است که یکی اشعری کلامی و دوم صوفیانه و گنوسی است. غزالی انگاره اشعری را درباره کلام خدا که آن را صفاتی از صفات ذات الهی می داند، پذیرفته است و در تعیین غایت و هدف وجود انسان در عرصه حیات که تحقق رستگاری در آخرت است، تحت تأثیر متصوفه قرار گرفته است. با ترکیب این دو بعد، ابو حامد غزالی در کتاب احیاء و جواهر به این ایده دست می یابد که حل معضلات معاصر، جز با بازگشت به گذشته میسر نیست. بر اساس بعد نخست، وضع کنونی تجسم فساد و انحراف از هنجارهای اصلی دین است؛ در حالی که گذشته، الگوی طهارت و تحقق عینی وحی است.

از بعد دوم نیز همه علوم و حقایق و نیز معرفت، ازلی و نهفته در نص است و هیچ پیوندی با کنش انسانی ندارند و اگر قرآن سرچشمه علوم است، مفسر ایدئولوژی گرای معاصر نیز وظیفه خود می داند تا موضع صریح خود را نسبت به رابطه قرآن با واقعیت، تاریخ، حرکت و فرهنگ مشخص کند و این همان کاری است که دو تن از چهره های برجسته این جریان، یعنی سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و طنطاوی جوهری در «تفسیر الجواهر» انجام داده اند. این دو به دو رویکرد متفاوت و متضاد گرایش دارند: سید قطب رویکردی مبارزه جو و طنطاوی رویکردی علمی دارد؛ ولی هر دو ایدئولوژیک باقی می مانند. این گفتان، روش فرا تاریخی دارد که فهم نص را در خارج از اعتبارات زمانی و مکانی جست و جو می کند.

النیر، علاوه بر سید قطب و طنطاوی، عبدالرحمان کواکبی را هم با توجه به مجموعه مقالاتش که کوشید، بر اساس روشی علمی قرآن را تفسیر کند، در این جریان طبقه بندی می کند. وی از حسن حنفی، صاحب پروژه بازخوانی میرا و محمد ابوالقاسم حاج حمد، مؤلف کتاب «العالمیة الاسلامیة الثانية» نیز به عنوان قرآن پژوهان ایدئولوژی گرانام می برد.

# پیش نویس قطعه نامه، تاریخ خراسان و امنیت ملی

گزارش از منصوره قلی پور

آنچه که پایه ی شورای امنیت را مست کرده، عمل نکردن به اساسنامه و مرامنامه ی خود است. در حالی که بر طبق ماده ی ۴۱ و ۴۲ در اساسنامه اش موظف است زمانی وارد تصمیم گیری شود که یافته ای بر اساس صلح و امنیت داشته باشد. با این حال صاحب نظران ارزیابی می کنند که این شورا یافته ی مشخصی برای انحراف فعالیت های هسته یی ایران ندارد و به نظر می آید اقدامات صورت گرفته در یک بستر سیاسی شکل می گیرد؛ در عین اینکه شورای امنیت ملزم به پاسخگویی در قبال هیچ مرجعی هم نیست. این مطلب در میزگرد «شورای امنیت و تحریم علیه ایران» که در دانشگاه تهران برگزار شده مطرح گردید.

\*\*\* شکست ۶۶ درصدی تحریم ها - دکتر نسریین مصفا، مدرس دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران طی سخنانی با اشاره به گفته ی کوفی عنان مبنی بر اینکه پس از دهه ی ۹۰، سازمان ملل بیش از هر زمان دیگری از تحریم به عنوان ابزار حفظ صلح و امنیت بین المللی استفاده کرده، اظهار داشت: امروز مهمترین تحریم ها از لحاظ اقتصادی است و تحقیقات نشان می دهد که این تحریم ها نه تنها آثاری در راستای مقاصد سازمان ملل نداشته، بلکه به تحکیم آن حکومت ها کمک کرده است. به گفته ی وی؛ پس از دهه ی ۹۰، شاهد تحریم هایی هدفمند و هوشمند بوده ایم که به رهبران سیاسی تکیه دارند و ابزاری برای رسیدن شورای امنیت به اهدافش بوده است. در حالی که برخی تحقیقات بیانگر شکست ۶۶ درصدی سازمان ملل در مورد این تحریم ها بوده است. این استاد دانشگاه استحکام بیشتر رژیم عراق پس از اعمال تحریم های سازمان ملل در مورد این کشور و

۳۶۰۹